آثار پیروزی ترامپ بر موضوع تحریم‌ها، برجام و برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران

رویکرد تهاجمی‌تر با اثربخشی ناچیز

■ ایمان اسدی* ■

■ **مقدمه**

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات‌متحده آمریکا را باید جهت تحلیل به دوره قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تقسیم کرد، چرا که برخی حرف‌ها صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته و با هدف جلب رضایت مردم بوده است. ترامپ در زمان ریاست، عاقل‌تر رفتار خواهد کرد و از میزان ساختارستیزی او قدری کاسته خواهد شد. همان‌طور که تاکنون مقایسه مواضع او قبل و بعد از پیروزی، گویای مدعای فوق است. همچنین زین پس باید ترامپ را در چارچوب سیاست‌های کلی حزب جمهوری‌خواه تحلیل کرد. هرچند می‌تواند با استقلال رفتاری بیشتری نسبت به دیگر رؤسای جمهوری سابق در قبال حزب متبوع خود رفتار کند ولی هم اعضای متنفذ حزب و هم پلتفرم ۲۰۱۶ حزب جمهوری‌خواه بر اقدامات دولت جدید آمریکا اثرگذار خواهد بود. طبیعتاً اعضای تیم او نیز در این موضوع مؤثر بوده و آنها نیز تا حدی او را محدود می‌کنند. هر چند در برخی تحلیل‌ها سخن از غلبه نئوکان‌ها در تیم امنیت ملی و سیاست خارجی ترامپ رانده می‌شود ولی تا لحظه نگارش این متن، از مجموع انتصابات وی، صرفا مایکل فلین مشاور امنیت ملی ترامپ (که ۲ روز قبل استعفا کرد) دارای دیدگاهی نزدیک به نئوکان‌هاست و از میان مشاوران نیز ولید فارس. فلذا با توجه به افرادی که تاکنون معرفی کرده است می‌توان ادعا کرد بیشتر غلبه با هژمونیست‌هاست تا استثناگراها. افرادی نظیر مایکل فلین در سمت مشاور امنیت ملی (همانطور که اشاره شد استعفا کرد)، جیمز متیس وزارت دفاع و مایک پمپئو به عنوان رئیس سازمان سیا که تاکنون قطعی شده‌اند، نشان از کابینه‌ای تهاجمی و ضدایرانی دارد. البته ناگفته نماند تجربه نشان داده است هر قدر کابینه آمریکا نسبت به ایران تهاجمی‌تر شود از بعد عملیاتی آن کاسته می‌شود. البته با توجه به اینکه در ساختار سیاسی و سیستم حکومتی ایالات‌متحده آمریکا همواره معادله ساختار – کارگزار به نفع ساختار سنگینی کرده است، لذا ترامپ جمهوری‌خواه را باید در چارچوب ساختار ایالات‌متحده آمریکا در نظر گرفت و برای او محدودیت‌های ساختاری را متصور بود. تفکیک قوا و محدودیت‌های ساختاری مانع تحقق بسیاری از وعده‌های ساختارشکنانه ترامپ در دوران انتخابات خواهد شد. (اگر واقعاً بدان‌ها صادق باشد) در نتیجه در حال حاضر با یک ترامپ متفاوت‌تر از پیش از انتخابات و در چارچوب محدودیت‌های حزبی و ساختاری مواجه هستیم.

■ **مقایسه ترامپ با کلینتون**

ترامپ به هوشمندی و پیچیدگی کلینتون نیست، دانش و اعتبار بین‌المللی کمتری دارد، توانمندی و ابزارهای کمتری نسبت به هیلاری دارد، رویکردهای نرم و نیمه‌سخت جایگاه کمتری در ذهن او دارد، تمرکز او بیش از آنکه خارج از مرزهای آمریکا باشد در داخل مرزهای آمریکاست و رویکرد او تا حدی انزواگرایانه است، در قبال ایران برنامه مشخص از قبل طراحی شده‌ای ندارد و از همه مهم‌تر توان اجماع و ائتلاف‌سازی بین‌المللی کمتری نسبت به ایران دارد.

■ **جمهوری‌خواهان و تحریم‌های یک جانبه**

همواره در دوران دموکرات‌ها از ابزار تحریم استفاده بیشتری نسبت به جمهوری‌خواهان می‌شود. هرچند در اهداف سیاست خارجی وحدت قابل قبولی بین دو حزب وجود دارد ولی در تاکتیک‌ها، سیاست‌ها و روش‌ها اختلاف‌نظر وجود دارد. گزینه نظامی نزد جمهوری‌خواهان و دیپلماسی و تحریم نزد دموکرات‌ها همواره از اعتبار بیشتری برخوردار بوده است. بر همین اساس، از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، ۳ موج تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران در دوره ۳ رئیس‌جمهور دموکرات یعنی جیمی کارتر، بیل کلینتون و باراک اوباما رخ داده است. فلذا پیش‌بینی می‌شد در صورت پیروزی کلینتون، آمریکا گرایش بیشتری به اعمال تحریم علیه ایران به بهانه‌های دیگر خواهد داشت اما در دوران ترامپ یک تفاوت جدی با دیگر رؤسای جمهوری‌خواه از جمله ریگان، بوش پدر و بوش پسر وجود دارد و آن اینکه وی در هنگام پیروزی با یک رژیم پیچیده و گسترده تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران روبه‌رو است و هیچ‌کس این بنای عظیم تحریم را براحتی از دست نمی‌دهد. از طرفی با توجه به ترکیب نسبتاً یکدست کنگره آمریکا و اینکه در حال حاضر پیش‌نویس طرح‌های ضدایرانی مختلفی روی میز نمایندگان کنگره قرار دارد، پیش‌بینی می‌شود کنگره به اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های بیشتری نسبت به ایران روی آورد. تفاوتی که ترامپ با اوباما خواهد داشت این است که وی وعده وتوی مصوبات کنگره را نخواهد داد، در مقابل آنها ایستادگی نیز نخواهد کرد و آنها را نقض برجام نیز تلقی نخواهد کرد. در صورت افزایش تحریم‌های ایالتی، با توجه به اینکه منع حقوقی الزام‌آوری در برجام برای آنها وجود ندارد و از طرفی ایالت‌ها حدی از استقلال را نیز نسبت به دولت فدرال دارند، لذا پیش‌بینی می‌شود لابی‌های ضدایرانی، فشار به ایالت‌ها را جهت وضع تحریم‌های ثانویه ضدایرانی افزایش دهند و تحریم‌هایی نیز صورت گیرد. کما اینکه در حال حاضر ۳۲ ایالت آمریکا، تحریم‌های جداگانه‌ای مستقل از دولت فدرال علیه ایران دارند که می‌توانند آنها را گسترش دهند. روند تخفیف تحریمی پیش‌بینی‌شده در برجام نیز با توجه به مواضع ترامپ، اطرافیان او و ترکیب کنگره به نظر با سخت‌گیری بیشتری صورت گیرد اما به‌صورت مشخص، دولت ترامپ در قبال ایران، تمرکز اصلی خود را روی ابزار تحریم قرار نخواهد داد. صرفاً از این شبکه گسترده ایجادشده محافظت خواهد کرد تا بتواند به‌وسیله آن در صورت امکان، امتیازات بیشتری از ایران بگیرد. البته وی قائل است اگر قرار باشد سودی به ایران برسد باید نفعی برای آمریکا هم به لحاظ اقتصادی داشته باشد. از جمله انتقاد وی به امضای قرارداد ایران و ایرباس و پیشنهاد خرید هواپیمایی ایران از بوئینگ. اما ناگفته نماند توان اجماع‌سازی بین‌المللی گسترده علیه ایران را ندارد و حوزه عمل وی بیشتر در محدوده دولت آمریکا خواهد بود. در نتیجه در موضوع تحریم‌ها پیش‌بینی می‌شود دولت و کنگره جدید آمریکا به اقدامات زیر روی آورند:

- تفسیر مضیق تعهدات آمریکا نسبت به رفع تحریم‌ها
- گذراندن تحریم‌های جدید تحت عناوین دیگر مانند موشکی، تروریسم و حقوق بشر
- وضع تحریم‌ها از سوی ایالت‌ها

اما در مورد تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ایران که با قاطعیت آرا در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا تصویب شد نیز باید متذکر شد مبتنی بر متن و منطق برجام، مکانیزم حل و فصل اختلافات در برجام و غلبه تفسیر غربی‌ها در کمیسیون مشترک، در صورتی که پس از امضای این قانون توسط رئیس‌جمهور آمریکا، با صدور فرمان اجرایی[1] توسط رئیس‌جمهور یا وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، بندهای معلق شده آن در برجام مجددا تعلیق شود، نقض برجام توسط آمریکا صورت نگرفته است. هر چند مبتنی بر شروط ابلاغی مقام معظم رهبری و بند سوم مصوبه مجلس در مورد برجام، این تمدید به منزله نقض برجام تلقی شده و واکنش مقتضی را می‌طلبد. نمایندگان دموکرات کنگره، اولا مانع اضافه شدن ضمائم جدید به این قانون شدند، ثانیا مدعی هستند با این کار، جلوی ارائه دیگر طرح‌های تحریمی ضدایرانی مغایر با برجام توسط جمهوری‌خواهان را گرفتند، ثالثا با تمدید بدون دستکاری آن باعث حفظ اهرم‌ها و زیرساخت‌های فشار جهت مقابله با نقض برجام توسط ایران شده‌اند.

مجدد تاکید می‌شود تعلیق برخی بندهای معلق شده در برجام، مصداق ۲ واژه Re-introducing Re- imposing که در بند ۲۶ برجام بدان‌ها اشاره شده است، نمی‌شود.

■ **ترامپ و توافق هسته‌ای(برجام)**

دونالد ترامپ پیش از پیروزی در انتخابات، اظهارات متعددی درباره برجام داشته است. وی توافق هسته‌ای را افتضاح نامید و اعلام کرد باید شرایط بهتری برای آمریکا در توافق ذکر می‌شد. وی هر چند از ادبیات متفاوتی درباره برجام در طول مبارزات انتخاباتی استفاده کرد ولی عمده تمرکز وی بر مذاکره مجدد بر سر توافق هسته‌ای با ایران قرار داشت. اینکه وی آیا درباره برجام به‌اصطلاح خودش مذاکره مجدد[2] خواهد کرد یا نه، ابتدا موضوع را از منظر حقوقی مورد بحث قرار می‌دهیم. به لحاظ حقوقی امکان کنار گذاشتن برجام از سوی آمریکا وجود دارد. اولاً توافقات بین‌المللی در حقوق داخلی آمریکا، مطابق دستورالعمل تنظیم موافقتنامه که در وب‌سایت وزارت خارجه آمریکا موجود است، به ۳ دسته کلی تقسیم می‌شود:

A: Treaty
B:Executive agreement
C:Political commitment

توافق برجام در دسته سوم قرار دارد و از الزام‌آوری بسیار کمی در حقوق داخلی آمریکا برخوردار است. در ضمن در حقوق داخلی آمریکا، قطعنامه‌های شورای امنیت هم‌عرض مصوبات کنگره و فرمان‌های اجرایی رئیس‌جمهور است و با مصوبه مؤخر می‌توانند قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کنند. در نتیجه به لحاظ حقوقی آمریکا با مانع مستحکمی جهت کنار گذاشتن برجام مواجه نیست. اما در عمل باید گفت اولا؛ کنار گذاشتن برجام یا تغییر دادن بخشی از آن با محدودیت‌های ساختاری دولت آمریکا مواجه خواهد بود.

ثانیا؛ برجام توافقی دوطرفه نیست و طرف‌های دیگری هم دارد و براحتی نمی‌توان آن را تغییر داد.

ثالثا؛ ایران زیر بار مذاکره مجدد درباره برجام نخواهد رفت.

رابعا؛ آمریکا ممکن است احتمال دهد با این کار حیات توافق به خطر خواهد افتاد و ممکن است ایران برنامه جایگزین را با سرعت بیشتری پیش ببرد.

فلذا در حال حاضر احتمال اعمال تغییرات در برجام از سوی دولت جدید آمریکا ضعیف به نظر می‌رسد ولی اجرای سختگیرانه‌تر برجام و استفاده از ظرفیت‌های نهفته در آن از جمله رژیم بازرسی‌ها و.... تشدید خواهد شد. از یک نکته نباید غافل شد و آن اینکه در طول مبارزات انتخاباتی، ترامپ هیچ‌گاه با اصل توافق مخالفت نکرده، بلکه انتقادهای او همواره بر سر کیفیت توافق بوده است. ترامپ این رویه را در قبال کوبا نیز تا حدودی اتخاذ کرده و مدعی لغو توافق با این کشور در صورت عدم دستیابی به توافقی بهتر شده است. مساله توافق با کوبا تفاوت‌های متعددی با توافق ایران دارد.

■ **ترامپ و برنامه موشکی ایران**

در موضوع موشکی باید گفت هرچند هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ در نطق‌های انتخاباتی خود به آن اشاره کردند ولی به نظر می‌رسد در صورت پیروزی کلینتون دوران سخت‌تری پیرامون پرونده موشکی ایران به وقوع می‌پیوست، چرا که اولاً وی تأکید داشت باید مکانیزم نظارتی که بر سانتریفیوژها ایجاد شده به موشک هم سرایت کند، ثانیاً وی قدرت بیشتری جهت اجماع در پرونده موشکی علیه ما داشت و ثالثا به گزینه تشدید تحریم‌ها به‌واسطه برنامه موشکی، بیشتر متکی می‌بود. اما با توجه به تصمیم جمهوری اسلامی ایران جهت آزمایش موشک‌های جدید خرمشهر و غدیر و نسل جدید سجیل که هر ۳ موشک براساس معیار غربی‌ها ذاتاً قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را دارند و همچنین با وجود عبارت مبهم و تفسیرپذیر موجود در قطعنامه ۲۲۳۱، طبیعتاً پس از آزمایش‌های موشکی ایران، فضاسازی‌های جهانی متعددی علیه ایران صورت خواهد گرفت ولی به نظر نمی‌رسد در کوتاه‌مدت اجماع بین‌المللی مستحکمی پیرامون فعالیت‌های موشکی جدید ایران شکل بگیرد. هرچند با هر تست موشکی جدید، مواضع واکنشی تندی از سوی آمریکا صورت خواهد گرفت و در فرآیند کاهش تحریم‌ها خلل ایجاد خواهد کرد. به احتمال فراوان، کنگره تحریم جدیدی تحت عنوان برنامه موشکی ایران وضع یا وزارت خزانه‌داری لیست SDN خود را در حوزه موشکی به روز کند. ولی واکنش سخت از سوی آمریکا نسبت به این موضع احتمال بسیار کمی دارد. در مجموع باید گفت در موضوع موشکی ایران، ابتکار عمل دست کنگره خواهد بود تا دولت. فروش سامانه‌های پدافندی ضد موشک‌های بالستیک از جمله تاد[3] و پاتریوت به کشورهای منطقه غرب آسیا نیز احتمالا در دستور کار دولت جمهوری‌خواه آمریکا قرار خواهد گرفت. البته با توجه به اینکه برخی کشورهای پیرامونی ایران به سامانه‌های آمریکایی پاتریوت مجهز هستند، پس تمرکز بیشتری روی فروش سامانه تاد خواهد بود. بویژه آنکه در دیدگاه‌های ترامپ، عدم حضور نظامی در منطقه و موازنه دور از ساحل[4] دیده می‌شود. در مجموع تلاش برای انعقاد دیگر برجام‌ها منتفی است و توان هر دو دولت مصروف توافق فعلی خواهد شد؛ یکی به دنبال حفظ آن و دیگری به دنبال سخت‌گیری بیشتر در آن.

■ **نتیجه‌گیری**

پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بدون شک تاثیرات متعددی در معادلات نظام بین‌الملل خواهد داشت. لغو پیمان‌های تجارت آزاد، اعمال سیاست‌های سختگیرانه نسبت به مهاجرت، انزواگرایی نوین آمریکایی، کم‌توجهی به پیمان‌های مربوط به تغییرات آب و هوایی، کاهش حضور نظامی آمریکا در نقاط مختلف جهان، گسست میان آمریکا و اتحادیه اروپایی، تعامل مابین روسیه و آمریکا، کمرنگ شدن نقش آمریکا در پیمان‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و... از آثار احتمالی ریاست جمهوری ترامپ به شمار می‌آید. در صورتی که محدودیت‌های ساختاری ایالات متحده آمریکا اجازه نزدیکی ترامپ با پوتین را بدهد و روابط این دو کشور بهبود پیدا کند، یقینا آثاری بر بحران سوریه خواهد داشت. این نزدیکی با توجه به تاکید ترامپ بر اولویت مبارزه با داعش، ابتدا در قالب مبارزه با تروریسم تجلی پیدا خواهد کرد ولی دیر یا زود، تعیین تکلیف وضعیت حاکمیت سیاسی سوریه در دستور کار این دو بازیگر فرامنطقه‌ای قرار خواهد گرفت. در این صورت، نقش روسیه در حل سیاسی بحران سوریه افزایش یافته و از نقش ایران در صحنه مذاکرات و توافقات سیاسی کاسته خواهد شد، چرا که تاکنون در خلال بحران سوریه، توان بازیگری ایران بیشتر معطوف به صحنه عملیاتی بحران در سوریه بوده است و ایران در راهکارهای سیاسی بحران از امکان بازیگری و قدرت مانوردهی کمتری برخوردار بوده است. تجربه نشان داده است عمده اوقات، نزدیکی روسیه و آمریکا در نظام بین‌الملل، امکان بازی کردن با کارت ایران را برای روسیه فراهم آورده است و روسیه با این برگ برنده امتیازات فراوانی از آمریکا گرفته است. نمونه آن در تحلیل الگوی رفتاری روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران از سال ۸۲ به بعد موجود است. فلذا دور از ذهن نیست روسیه با هدف گرفتن امتیاز در موقعیت‌هایی نظیر اوکراین، بر سر ایران معاملاتی انجام دهد. می‌توان به این گزاره راهبردی رسید که شکاف و گسست روسیه و آمریکا برای ایران نسبت به نزدیکی و همکاری این دو قدرت ارجحیت دارد. برخی ناظران معتقدند یکی از اهداف نزدیکی ترامپ با روسیه، جلوگیری از ائتلاف این کشور با چین و صف‌بندی در برابر آمریکاست. کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا و تلاش‌های جدی عربستان برای رای‌آوری هیلاری کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز در حال حاضر عربستان را در وضعیت خاصی قرار داده است. عربستان سعودی که تاکنون از هماهنگی امنیتی نسبتا بالایی در منطقه با ایالات متحده آمریکا برخوردار بوده است، ممکن است در آینده نزدیک تا حدی از استقلال رفتاری بیشتری برخوردار شود و سیاست خارجی افراط‌گرای خود را با قوت بیشتری ادامه دهد. ضمن اینکه با توجه با بودجه نظامی سرسام‌آور و زرادخانه‌های تسلیحاتی بالای سعودی، امکان برخی رفتارهای رادیکال از سوی این کشور وجود دارد. علی‌الخصوص اینکه در حال حاضر طبقه حاکم بر عربستان، از تجربه و تدبیر کمتری نسبت به اسلاف خود برخوردار است. در کوتاه‌مدت، تمرکز سعودی بیشتر در سوریه و یمن خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به اقدامات ضدامنیتی این کشور علیه محیط امنیتی خود هوشیار باشد. ضمنا پیش‌بینی می‌شود دونالد ترامپ اقدامی در راستای لغو قانون جاستا انجام نخواهد داد و این قانون معضلی فزاینده در روابط آمریکا و عربستان خواهد بود. در مجموع باید گفت آمریکای پرزیدنت ترامپ، نسبت به ایران رویکردی تهاجمی‌تر و افراطی‌تر در قیاس با دولت اوباما در پیش خواهد گرفت. هر چند این رویکرد تهاجمی، در عمل آثار ضدایرانی کمتری به بار خواهد آورد و امکان اجماع و ائتلاف روی آن کمتر خواهد شد. ایران متعهد به برجام و صحه آژانس بر پایبندی آن، بهانه‌های کابینه تهاجمی ترامپ را برای اجماع ضد آن خواهد کاست. هر چند همچنان برنامه موشک‌های بالستیک ایران، اقدامات ایران در محور مقاومت و حقوق بشر از موضوعات مورد مناقشه ایران و غرب باقی خواهد ماند.

1- executive order
2-etaitogeneR
3-DAAHT
4-gnicnalab erohsffO

*کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

«سازمان اطلاعات خارجی» و محیط پیچیده بین‌الملل

علیرضا خرم روز*: ارتقای معاونت اطلاعات خارجی وزارت اطلاعات به «سازمان اطلاعات خارجی و نهضت‌ها» پدیده‌ای است که براساس ایجاب محیط بین‌الملل صورت پذیرفته است. روند امنیتی بین‌الملل با توجه به درگیری‌های چندجانبه ایجاب می‌کند سازمان‌های اطلاعاتی از سیستم تلفیقی به تفکیکی تغییر شکل دهند. درگیری‌های تخصصی در حوزه جنگ اطلاعاتی، محیطی را به وجود آورده است که انرژی نیروهای امنیتی باید به صورت تخصصی در یک حوزه متمرکز شود. نهاد حفظ امنیت در ایران بر اساس وظایف در ۲ حیطه اطلاعات نظامی و سازمان اطلاعات تخصصی قابل تقسیم است. اصالت مردمسالارانه نظام ایران باعث شد وزارت اطلاعات با شاکله وزارتی خود به طور عملی برابر نمایندگان مردم پاسخگو باشد. نگاهی به درگیری‌های امنیتی و استراتژیک ایران با سازمان‌های مختلف اطلاعاتی دنیا الزام‌آور بودن تشکیل سازمان اطلاعات خارجی را بیش از پیش نشان می‌دهد. جنگ‌های اطلاعاتی بین‌المللی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در ۲ سطح قابل تقسیم است؛ جنگ اول «شبکه‌ای» نام دارد. «Net war» به جنگ اطلاعاتی گفته می‌شود که بین افراد، جوامع و ملت‌ها جاری می‌شود یا جهت‌گیری آن به سمت جامعه و اهداف غیرنظامی است. هدف این جنگ تخریب و فروریختن اندیشه‌ها و تصورات موجود در جامعه و جایگزین کردن انواع جدیدی به جای آنهاست که علیه جوامع طراحی و هدف‌گیری می‌شود. این جنگ تمرکز سازمان‌های امنیتی را بر موضوع داخلی معطوف می‌دارد. لذا وجود یک سازمان اطلاعاتی در سطح امنیت داخلی را به تصمیم‌سازان امنیت کشور ووشزد می‌کند. در سطح دیگر، جنگ مجازی (C -ber war) مطرح است که از معنای مصطلح مجازی فاصله دارد. جنگ مجازی به طور خاص علیه نیروها، زیرساخت نظامی و امنیتی هدف‌گیری می‌شود. این جنگ به از هم گسیختن سیستم‌های اطلاعاتی و مخابراتی، سیستم‌های کنترل و فرماندهی، ارتباطات، خبرگیری و جاسوسی نیروهای نظامی دشمن و غیر عملیاتی کردن آنها در صحنه نبرد یا در حالت عادی صورت می‌گیرد. در جنگ‌های مجازی، تنها عملیات نظامی بر اساس اصول و قواعد مبتنی بر اطلاعات صورت می‌گیرد. این جنگ‌ها سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی را نابود کرده و هدف آنها به دست آوردن اطلاعات مهم و حساس دشمن برای کسب برتری استراتژیک است. این نوع جنگ لزوم وجود یک سازمان اطلاعات خارجی را نشان می‌دهد. نیروهای تخصصی‌ای که در سازمان اطلاعات خارجی تربیت شده باشند به طور چشمگیری می‌توانند از ورود انواع تهدیدات به کشور جلوگیری کنند و زمینه رشد کشور در تمام عرصه‌ها را فراهم بیاورند. یکی از مشخصات قابل تامل در این نوع جنگ‌های عصر اطلاعات، کاهش هزینه‌ها و تلفات نیروهای انسانی با استفاده از دانش برتری در جبهه نبرد است و از سوی دیگر باعث بروز نوعی توازن بین طرفین جنگ می‌شود. به این مفهوم که طرفین درگیر با در اختیار داشتن اطلاعات کافی از دشمن، نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کرده و از عنصر دانایی برای ایجاد برابری با طرف مقابل بهره‌گیری می‌کنند. در پایان می‌توان ویژگی‌های حیاتی ارتقای سطح مدیریت معاونت اطلاعاتی معطوف به امور بین‌الملل را به یک سازمان در ویژگی‌هایی ذیل خلاصه کرد.

۱- گسترش سازمان‌های اطلاعاتی جهت عمق بخشیدن به افق امنیتی کشور
۲- تغییر ماهیت تلفیقی وزارت اطلاعات به سوی یک سازمان مجزای بین‌المللی و داخلی جهت تخصصی‌تر شدن فعالیت‌ها
۳- همسان‌سازی سازمان‌های موازی اطلاعاتی از جمله نظامی و غیر آن با ماموریت ایجاد اهداف و فعالیت‌های مکمل جهت عدم اتلاف انرژی امنیتی کشور
۵- گسترش نفوذ اطلاعاتی ایران در ساحت بین‌المللی با استفاده از یک سازمان مجزای اطلاعاتی که متخصص در امور امنیت بین‌الملل است.

این ترکیبات و نکات می‌تواند چارچوب امنیتی کشور را از حیطه آسیب‌پذیری در تهدیدات خارج و به ورطه نظام فعال امنیتی در ساحت بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل کند و در حقیقت عمق استراتژیک ایران را گسترش دهد.

*پژوهشگر حوزه امنیت بین‌الملل

پاورقی ۱۱

متن کتاب «تیه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱ سپتامبر

دروغ بزرگ

اگر به گذشته‌ای نه چندان دور بازگردیم، بعید نیست حمله ۲۶ فوریه سال ۱۹۹۳ به برج تجارت جهانی که ۶ کشته و هزاران زخمی بر جا گذاشت هم در اصل، با هدف تخریب این مرکز سری CIA طراحی و اجرا شده بود. اگرچه این مرکز در آن زمان به توسعه‌یافتگی سال ۲۰۰۱ نبود. با توجه به این نکته که در زمان فعالیت برج‌های دوقلو، به طور معمول ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر در آن تردد داشته و به کار مشغول بودند و از آنجا که هریک از برج‌ها شامل ۱۰۲ طبقه بود، به طور متوسط هر طبقه ۱۳۶ نفر را در خود جای می‌داد. در حادثه برج شمالی، هواپیمای بوئینگ، طبقات بین طبقه ۸۰ و ۸۵ را مورد اصابت قرار داد. ساکنان این طبقات را باید در ردیف کسانی قرار داد که در همان لحظات اول بر اثر ضربه شدید و حرارت حاصل از انفجار، نابود شدند، اما با بالا گرفتن شعله‌های آتش، افرادی که در طبقات بالاتر از هشتادم بودند هم بدون هیچ راه فراری خود را گرفتار آتش دیدند. برخی بین تسلیم در برابر آتش و پریدن از پنجره، راه دوم را انتخاب کردند. اندکی بعد، زمان فروریختن ساختمان فرارسید و تمام کسانی که در ۳۰ طبقه فوقانی ساختمان گرفتار بودند تسلیم مرگ شدند. با محاسبات ما از معدل ساکنان هر طبقه، تعداد کشته‌شدگان نباید کمتر از ۴۰ هزار و ۸۰ نفر می‌شد اما گزارش رسمی نهم فوریه ۲۰۰۲، مجموعه تلفات ۲ حادثه را ۲ هزار و ۸۴۳ نفر اعلام کرد. تازه این تعداد، شامل مسافران و خدمه هواپیما، اعضای گروه تروریستی، پلیس و گروه نجات که هنگام فروریختن برج‌ها زیر آوار ماندند هم می‌شد. درباره حادثه مرکز تجارت جهانی، افاضات رئیس‌جمهور جورج بوش شنیدنی است، این گفت‌وگو در جریان ملاقات رئیس‌جمهور [اسبق] با شهروندان اورلاندو در فلوریدا به تاریخ چهارم دسامبر انجام شد.

سوال: جناب رئیس‌جمهور، اولا اینکه، شاید شما نیز نتوانید تصور کنید چه تلاش‌هایی برای این آب و خاک انجام داده‌اید؛ ثانیا، علاقه‌مندیم بدانیم پس از شنیدن خبر حمله تروریست‌ها (به مرکز تجارت جهانی) چه احساسی داشتید؟ (تشویق و کف زدن حضار)

رئیس‌جمهور جورج بوش: از شما متشکرم جردن! (مجری مراسم) خب جردن! نمی‌توانی تصور کنی پس از شنیدن حمله تروریست‌ها، در چه شرایطی قرار گرفتم. من در فلوریدا بودم و «اندی کارد»، رئیس ستادم همراه من بود. قرار بود در کلاس درس برای بچه‌ها راجع به برنامه مطالعاتی و کارهای آنها صحبت کنم. تا زمان رفتن به کلاس در فضای بیرون منتظر نشسته بودم، آنجا بودم که برخورد هواپیما با برج را دیدم، البته تلویزیون روشن بود. من خودم زمانی پرواز می‌کردم، با خودم گفتم، خب، این هم یک خلبان ناشی، گفتم این باید حادثه وحشتناکی باشد. یکباره خشکم زد، فرصت فکر کردن به این موضوع نبود، من در کلاس نشسته بودم و اندی هم آنجا نشسته بود، به‌طرف من آمد و گفت، هواپیمای دوم هم به برج خورد، به آمریکا حمله شده. جردن! در لحظات اول، نمی‌دانستم چه تصمیمی بگیرم. تو می‌دانی من در دوره‌ای بزرگ شدم که حمله به آمریکا مفهومی نداشت و هیچ‌وقت چنین تصوری هم در ذهنم شکل نگرفته بود. شاید پدر و مادر شما هم هرگز چنین تصوری را نداشتند و من در آن لحظه کوتاه با خودم فکر کردم، حمله به آمریکا چه مفهومی ممکن است داشته باشد. من می‌دانستم کسی قدرت پرداخت تاوان حمله به آمریکا را ندارد.

خب! از قرار معلوم رئیس‌جمهور آمریکا، طبق گفته خودش، چند ثانیه پس از برخورد نخستین هواپیما به برج، تصویر این حادثه را دیده است. به طور یقین، این تصاویر از میان تصاویری که سسنندسازان فرانسوی jules و - Gedeon Na det و به‌طور اتفاقی از حادثه گرفتند انتخاب نشده بوده چون این مجموعه نخستین‌بار، ۱۳ ساعت بعد توسط موسسه Gamma پخش و منتشر شد. تصاویری که جورج بوش چند لحظه بعد از برخورد هواپیما به برج اول (شمالی) مشاهده کرد، یقینا تصاویر موسسه Gamma نبوده و باید تصاویر سری دیگری بوده باشد که بدون درنگ به محل استقرار رئیس‌جمهور ارسال شده‌اند، به یقین تجهیزات مخابراتی محرمانه‌ای از قبل در اتاقی که برای رئیس‌جمهور در محل دبستان اختصاص داده شده، تدارک دیده بودند و اگر سازمان اطلاعات آمریکا، فیلم برخورد اول را تهیه کرده باشد، به این معنی است که آنها از قبل آماده چنین حادثه‌ای بوده‌اند و در این صورت باید پرسید چرا اقدامی در جهت نجات دوستان و هموطنان خود انجام ندادند؟ نتایج مطالعات ما، به طور خلاصه از این قرار است که تروریست‌ها با تدارک تجهیزات و همکارانی در بخش زمینی، عملیات را به انجام رساندند.

ادامه دارد